

نویسنده : جفری ساکس «Jeffrey Sachs».

منبع و تاریخ نشر : ریسنیسیل ستیت گرفت «2024-06-27».

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

اوکراین را از دخالت آمریکا نجات دهید

Save Ukraine from American meddling



عکس از خوزه کولون/آنادولو از طریق گتی ایماژ (یک تیم جوخه بمب اوکراین از تیپ 93 کار انفجار مین و گلوله را در منطقه دونتسک ، اوکراین ، 15 ژوئن 2024 انجام میدهد .

اوکراین را فقط می توان در میز مذاکره نجات داد، نه در میدان جنگ . متأسفانه، این نکته برای سیا ستمداران اوکراینی مانند **اولگ دوندا**، نماینده پارلمان اوکراین که اخیراً در این سایت در مخالفت با درخواست مکرر من برای مذاکره نوشته است، درک نمی کنند.

دوندا معتقد است که ایالات متحده اوکراین را از روسیه نجات خواهد داد. برعکس این قضیه صادق و یا درست است. که اوکراین در واقع باید از دست ایالات متحده نجات یابد.

اوکراین مظهر عبارت معروف هنری کیسینجر است، که گفته بود "ممکن است که دشمن آمریکا خطرناک با شد، اما دوست آمریکا کشنده است." سی سال پیش، اوکراین مورد استقبال آمریکا قرار گرفت.

نومحافظه کاران، که معتقد بودند این ابزار عالی برای تضعیف روسیه است. نئوکانها معتقدان ایدئولوژیک به هژمونی آمریکا هستند، یعنی حق و مسئولیت ایالات متحده برای اینکه تنها ابرقدرت جهان و پلیس جهانی باشد (هما نطور که برای مثال در گزارش پروژه قرن جدید آمریکا در سال 2000 توضیح داده شد، "بازسازی آمریکا". دفاع ها).

نئومحافظه کاران سه روش را برای فشار دادن قدرت و نفوذ ایالات متحده به اوکراین انتخاب کردند: **اول**، دخالت در سیاست داخلی اوکراین. **دوم**، گسترش **نا تو** به اوکراین، با وجود خط قرمز روسیه. و **سوم**، مسلح کردن اوکراین و اعمال تحریم های اقتصادی برای شکست روسیه. نومحافظه کاران در دهه «1990» در گوش اوکراین فانتزی شیرینی را زمزمه کردند: با ما به بهشت با شکوه سرزمین **نا تو** بیا بید تا همیشه در امان باشید. سیاستمداران اوکراینی طرفدار اروپا، به ویژه در غرب اوکراین، داستان را دوست داشتند. آنها معتقد بودند که اوکراین همانند لهستان، مجارستان و جمهوری چک در سال 1999 به **نا تو** خواهد پیوست.

ایده گسترش **نا تو** به اوکراین احمقانه و خطرناک بود. از منظر روسیه، گسترش **نا تو** به اروپای مرکزی در سال «1999» عمیقاً قابل اعتراض و نقض آشکار وعده جدی ایالات متحده بود که **نا تو** "یک اینچ به سمت شرق" گسترش نخواهد یافت، اما برای منافع روسیه کشنده نبود. این کشورها با سرزمین اصلی روسیه هم مرز نیستند. با این حال، گسترش **نا تو** به اوکراین به معنای از دست دادن ناوگان دریایی روسیه در دریای سیاه در سواستوپل و چشم انداز موشک های ایالات متحده در چند دقیقه از سرزمین اصلی روسیه است.

در واقع هیچ چشم اندازی وجود نداشت که روسیه هرگز گسترش **نا تو** به اوکراین را بپذیرد. مدیر فعلی سیاه، **ویلیام برنز**، در یادداشتی به **کاندولیزا رایس**، وزیر امور خارجه، زمانی که در سال 2008 سفیر ایالات متحده در مسکو بود، این را بیان کرد.

برنز «Burns» نوشت: «ورود اوکراین به **نا تو** در خشانترین خط قرمز برای نخبگان روسیه (نه فقط پوتین) است. در بیش از دو سال و نیم مکالمه با بازیگران کلیدی روسیه، از بند انگشتان در فرورفتگی های تاریک کرملین گرفته تا تندترین منتقدان لیبرال **پوتین**،

هنوز کسی را پیدا نکرده‌ام که اوکراین را در **نا تو** چیزی غیر از یک چالش مستقیم بدانند. به منافع روسیه.»

نومحافظه کاران هرگز این خط قرمز روسیه را برای عموم مردم آمریکا یا جها نی، در آن زمان و اکنون توصیف نکردند. دیپلمات‌ها و محققان ارشد در ایالات متحده به همان نتیجه‌گیری درباره گسترش **نا تو** به طور کلی در دهه 1990 رسیده بودند، همان‌طور که اخیراً با جزئیات مستند شده است.

اوکراینی‌ها و حامیان آنها اصرار دارند که اوکراین "حق" پیوستن به **نا تو** را دارد. ایالات متحده نیز با رها این را می‌گوید. سیاست **نا تو** می‌گوید که گسترش **نا تو** یک موضوع بین **نا تو** و کشور نامزد است و این موضوع به روسیه یا هر کشور غیر عضو ناتو مربوط نیست.

این مسخره است زمانی که **دریاسالار جان کربی** از تریبون کاخ سفید اعلام کرد که مکزیکی حق دارد از **چین** و **روسیه** دعوت کند تا پایگاه‌های نظامی خود را در امتداد **ریوگرانده** مستقر کنند، بر اساس همان «سیاست درهای باز» به این ادعا باور خواهم کرد. **نا تو** دکترین **مونرو** برای دو قرن دقیقاً خلاف این را گفته است.

بنابراین اوکراین توسط نئوکان‌ها برای فاجعه آماده شد. در واقع، مردم اوکراین حقیقت را احساس کردند و تا زمان قیام سال 2014 که ویکتور **یانوکوویچ**، رئیس‌جمهور اوکراین را سرنگون کرد، به شدت با عضویت در **نا تو** مخالفت کردند.

بیباید زمان بندی این سیاست تکان دهنده نادرست آمریکا را مرور کنیم. در اوایل دهه 2000، ایالات متحده شروع به مداخله شدید در سیاست اوکراین کرد. به گفته **ویکتوریا نولند**، ایالات متحده میلیاردها دلار برای ایجاد «دموکراسی» اوکراین، به معنای تبدیل اوکراین به ایالات متحده و دور کردن روسیه از روسیه، هزینه کرد. با این وجود، مردم اوکراین به شدت مخالف عضویت در **نا تو** بودند و **ویکتور یانوکوویچ** را که از بی طرفی اوکراین دفاع می‌کرد، در سال 2010 انتخاب کردند.

در **فبروری 2014**، تیم **اوباما** فعالانه در کنار شبه‌نظامیان نئونازی قرار گرفت که در 21 فوریه به ساختمان‌های دولتی یورش بردند و روز بعد **یانوکوویچ** را سرنگون کردند. ایالات متحده بلافاصله دولت جدید را به رسمیت شناخت. تماس خیره‌کننده رهگیری بین **نولند** و **جفری پیات**، سفیر ایالات متحده در اوکراین، که در آن آنها در مورد اینکه چه کسی باید در دولت جدید اوکراین چند هفته قبل از شورش حضور داشته باشد، صحبت می‌کنند، که سطح دخالت آمریکا را نشان می‌دهد.

دولت پس از قیام در اوکراین مملو از کسانی بود که از روسیه متنفر بودند و شبه‌نظامیان راست افراطی مانند **بریگاد آزوف** از آن حمایت می‌کردند. زمانی که منطقه **دونباس** با قومیت روسیه از قیام جدا شد، دولت مرکزی قصد داشت این منطقه را با زور

باز پس گیرد. توافقنامه صلحی بین کیف و دونباس در سال «2015» به امضا رسید که به عنوان مینسک 2 شناخته می‌شود و با گسترش خود مختاری به مناطق **دونتسک** و **لوهانسک** که دارای قومیت روسیه هستند، به جنگ پایان می‌دهد. افسوس که اوکراین و ایالات متحده این معاهده را تضعیف کردند حتی در حالی که علناً آن را تأیید کردند. این معاهده صرفاً اقدامی موقتی بود (به گفته صدراعظم آلمان آنگلا مرکل) تا به اوکراین زمان بدهد تا ارتش خود را بسازد. ایالات متحده تسلیحات را به اوکراین ارسال کرد تا ارتش خود را تقویت کند، آن را با **نا تو** سازگار کند و از بازپس‌گیری **دونباس** با زور حمایت کند.

فرصت دیپلماتیک بعدی برای نجات اوکراین در دسامبر 2021 بود، زمانی که **ولادیمیر پوتین** یک معاهده ایالات متحده و روسیه در مورد ضمانت‌های امنیتی را پیشنهاد کرد و خواستار پایان دادن به گسترش **نا تو**، از جمله مسئله فوری استقرار موشک‌های ایالات متحده در نزدیکی روسیه شد. **بایدن** به جای مذاکره، مجدداً به **پوتین** در مورد مسئله پایان دادن به گسترش **نا تو** نه گفت.

یک فرصت دیپلماتیک دیگر برای نجات اوکراین در مارس 2022، درست چند روز پس از آغاز "عملیات نظامی ویژه" روسیه که در 24 فوریه آغاز شد، به وجود آمد. روسیه گفت که اگر اوکراین با بی‌طرفی موافقت کند، جنگ را متوقف خواهد کرد. **زلنسکی** موافقت کرد، اسناد رد و بدل شد و توافق صلح تقریباً حاصل شد. با این حال، به گفته **نفتالی بنت**، نخست‌وزیر سابق اسرائیل، ایالات متحده و سایر متحدان **نا تو**، به ویژه بریتانیا، برای جلوگیری از این توافق وارد عمل شدند و به اوکراین گفتند که ادامه دهد. اخیراً **بوریس جانسون** گفت که اوکراین باید برای حفظ «هژمونی غرب» به مبارزه ادامه دهد.

همچنان می‌توان اوکراین را از طریق بی‌طرفی نجات داد، حتی در شرایطی که جان صدها هزار نفر به دلیل شکست در مذاکره تلف شده است. بقیه مسائل از جمله مرزها نیز از طریق دیپلماسی قابل حل است. این کشتار می‌تواند اکنون پایان یابد، قبل از اینکه بلایای بیشتری بر سر اوکراین و جهان بیاید. در مورد ایالات متحده، «30 سال سوء حکومت نو محافظه کاران به اندازه کافی طولانی است».

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

جفری ساکس، استاد دانشگاه در دانشگاه کلمبیا است. او به میخائیل گورباچف رئیس جمهور شوروی، بوریس یلتسین رئیس جمهور روسیه و لئونید کوچما رئیس جمهور اوکراین مشاوره میدهد.

----- **با تقدیم احترامات «2024-07-02»**

